

سیاست؛ علم اولویت‌بندی*

مقاله
لطف‌الله میثمی

روزنامه ترکیه‌ای اورتادو و در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۸۶ به نقل از خبرنگار روزنامه صبح ترکیه در اربیل عراق، گفت‌وگویی را با عثمان اوجالان (برادر عبدالله اوجالان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان پ.ک.ک) درج کرده است. درس مهمی در این گفت‌وگو نهفته که بهتر است در ابتدا اصل گفت‌وگو را با هم بخوانیم.

ترکی بودن زهاشده و بیشتر به ایرانی گردیدن روی آورده است. مسلماً چنین روندی در تاکتیک‌ها و راهبردهای حزب کارگران کردستان مؤثر خواهد بود. البته ایران مانند ترکیه از حمایت‌های کشورهای خارجی برخوردار نیست، ضمن آن که سازماندهی ارتش ایران به اندازه ارتش ترکیه منسجم نیست، از این رو حزب کارگران کردستان، نتایجی را که نتوانست در ترکیه به دست آورد در ایران کسب خواهد کرد.

پژاک شاخه ایرانی حزب کارگران کردستان است که از دیگر گروه‌های کرد ایرانی پیشی گرفته است. پژاک، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل خواهان آن هستند که نیروهای ترکیه در شمال عراق به تنگنا کشانده شده و به نواحی مرزی ایران روانه شوند تا در آنجا جنگی بین ایران و حزب کارگران کردستان اتفاق افتد. به نظر من، اسرائیل تحت نظارت و حمایت ایالات متحده آمریکا به پژاک کمک می‌کند.

به نظر می‌رسد کانون و گرانسگاه این گفت‌وگو، مقوله ساده‌اندیشانه‌ای است که در نقاط عطف مبارزات احزاب کرده به چشم می‌خورد. آقای عثمان اوجالان در این گفت‌وگو بر این باور است، از آنجا که ترکیه نخست از حمایت خارجی برخوردار بود و دوم دارای ارتش منظمی است، بنابراین حزب کارگران کردستان، موفقیتی در ترکیه به دست نیآورده و نخواهد آورد. عثمان اوجالان می‌افزاید: از آنجا که ایران مانند ترکیه از حمایت کشورهای خارجی برخوردار نیست و ارتش ایران، انسجام ارتش ترکیه را ندارد، بنابراین حمله‌ها متوجه ایران می‌شود. ملاحظه می‌شود در این گفت‌وگو، روی حمایت اسرائیل، آمریکا و حتی ارتش ترکیه، در حمله به ایران حساب باز

• آیا شمال عراق، تهدیدی برای ترکیه است؟

کردها اگر چند سالی بتوانند در استقرار به سربرند، از نظر قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی، هم‌تراز دولت‌های همسایه خواهند گردید و از این منظر است که ترکیه، حکومت فدرال کرد را برای خود مهمترین خطر تلقی می‌کند و در صدد است آن را سرکوب و تضعیف نماید. البته امریکا اجازه چنین امری را نمی‌دهد و ترکیه در این خصوص موفق نخواهد شد.

• آیا حزب کارگران کردستان، خواهان کشاندن

ترکیه به این منطقه است؟

بله، احتمال دارد، اما در اینجا نیروهایی به مراتب مؤثرتر از پ.ک.ک وجود دارند و از همه مهمتر، ایران است که ترکیه را به خطا سوق می‌دهد، عرب‌ها نیز ترکیه را به اشتباه می‌کشاند. البته نقش اسرائیل را نیز نباید در این منطقه فراموش کرد. اینکه در عراق اتحاد ایران - کرد جاری است. شیعیان عراق به منزله دست ایران هستند و به نوعی اتحاد شیعی - کرد را تداوم بخشیده‌اند. البته نیروهایی هستند که از این اتحاد، نگران و ناخشنودند که در رأس آنها اسرائیل قرار دارد.

• پژاک چیست؟

پژاک در سال ۲۰۰۳ میلادی تشکیل شد و طی سال جاری با ایران در حال درگیری و جنگ است. طی سه سال اخیر در منطقه کردستان ایران، رغبت محسوسی نسبت به حزب کارگران کردستان به وجود آمده است. ۴۰ درصد اعضای حزب کارگران کردستان را ترک‌تبار، ۲۰ درصد آن را کردهای سوریه و ۳۰ درصد آن را نیز کردهای ایران تشکیل می‌دهند. البته در این اواخر تعداد اعضای کردهای ایرانی از ترک‌ها بیشتر شده، چنانچه می‌توان گفت، حزب کارگران کردستان از





قاسم تا سال ۱۳۴۲ موفق شد ۹۵ درصد نفت عراق را ملی کند و در این راستا قانون شماره ۸۰ را به تصویب رساند و اصلاحات زیادی از جمله اصلاحات ارضی را در عراق شروع کرد، ولی رهبری مبارزان کرد عراقی با این تحلیل که اگر اصلاحات ارضی در مناطق کردنشین عراق عملی شود، قدرت نظامی - فتوادی کرد ضعیف خواهد شد، با عبدالکریم قاسم به مخالفت برخاست



شده است.

این ساده اندیشی از یک تفکر صرفاً نظامی و بدون دوراندیشی سیاسی و مکتبی ناشی می شود که ساده اندیشی در گذشته هم رخ داده و عوارض منفی چنان زیادی به بار آورده که هر گاه کردها از تبعیض های واقعی صحبت کنند، این چنین تلقی می شود که خواهان تجزیه و جنگ داخلی هستند.

نمونه اول: پس از جنگ جهانی دوم، فرسار رضاخان، از هم پاشیدگی ارتش و اشغال ایران توسط روسیه، انگلیس و امریکا، حزب دموکرات کردستان تحت حمایت مستقیم روس ها و حمایت تلویحی انگلیس به وجود آمد. رهبری مبارزه کردها بدون مخالفتی با اشغال ایران فرصت را مناسب دانسته و با کمک اشغالگران و بدون توجه به هویت آزادیخواهی و استقلال طلبی مردم ایران، خواهان احراز هویت و... شد که عوارض آن را دیدیم که در اسناد منتشر و ویژه نامه شماره یک و دو کردستان چشم انداز ایران به تفصیل آمده است.

نمونه دوم: همان طور که می دانیم در سال ۱۳۳۷ با الهام از نهضت ملی ایران و مبارزات ضد سلطنتی - ضد استعماری آن، مردم عراق به رهبری عبدالکریم قاسم، رژیم سلطنتی عراق را سرنگون کردند. قاسم تا سال ۱۳۴۲ موفق شد ۹۵ درصد نفت عراق را ملی کند و در این راستا قانون شماره ۸۰ را به تصویب رساند و اصلاحات زیادی از جمله اصلاحات ارضی را در عراق شروع کرد، ولی رهبری مبارزان کرد عراقی با این تحلیل که اگر اصلاحات ارضی در مناطق کردنشین عراق عملی شود، قدرت نظامی - فتوادی کرد ضعیف خواهد شد، با عبدالکریم قاسم به مخالفت برخاست و در نهایت در یک اتحاد بین امریکا، انگلیس،

ملا مصطفی بارزانی و حزب بعث عراق، کودتای بی رحمانه ای علیه قاسم صورت گرفت و حکومت وی را سرنگون کرد و فجایع زیادی به بار آورد. این بار نیز رهبری مبارزان کرد، به دام یک راهبرد نظامی بدون برخورداری از تفکر سیاسی و مکتبی افتاد. اگر تعریف سیاست راه علم اولویت ها بدانیم، در اولویت ها اشتباه کردند و کاری به «حق و باطل» و «درست و نادرست» نداشتند و صرفاً احراز هویت نژاد محور کرد را دنبال می کردند. آنها بر این باور بودند که اگر بانبروهای مترقی درگیر شوند، از حمایت امریکا و انگلیس برخوردار خواهند شد و در پر تو این حمایت می توانند هویت کردی خود را حفظ نمایند. آیا نسل کشی کردهای عراق توسط حزب بعث عراق، نتیجه این نامعاده نبود؟

نمونه سوم: درگیری ایران و عراق بر سر اروندرود بود که در نهایت به قرارداد ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) انجامید. در این درگیری ایران و عراق، کردهای عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی، فرصت را مناسب دیدند که با حکومت عراق درگیر شوند؛ با این استدلال که رژیم شاهنشاهی ایران با حامیان امریکایی - اسرائیلی اش او را حمایت خواهند کرد. استدلال به ظاهر درست بود و این حمایت همه جانبه تا آنجا پیش رفت که حتی بی سیم چی های کردهای عراق از ارتش ایران بودند و تکنیک، تاکتیک و استراتژی آنها را شاه تعیین می کرد. وقتی در الجزایر قرارداد ۱۳۵۴ بین ایران و عراق امضا شد، شاه ایران پشت کردها را خالی کرد و پس از آن ملا مصطفی، عراق را ترک و به شهر کرج منتقل شد. باید درباره فجایع و عوارض ناشی از آن، کتاب هانوش که فرصت مستقلی را می طلبد. این بار نیز ساده اندیشی مبتنی بر تفکر نظامی



عملیات ۱۲۱ کتبر را که به کشته شدن ۱۲ سرباز ترکیه انجامید» دام گسترده توسط ژنرال‌ها می‌داند و خود موافق راه حل صلح آمیز و مذاکره است. او معتقد است: «ارتش ترکیه می‌خواهد وضع بحرانی موجود را حفظ کند و با عمیق کردن شکاف خطر ناک بین آنها و امریکا دولت منتخب عدالت و توسعه را بی اعتبار سازد.»^(۱)

من چه در دوران دانشجویی (۱۳۳۸-۴۲)، زندان اول (۱۳۴۲-۴۳)، زندان دوم (۱۳۵۰-۵۲) و چه زندان سوم (۱۳۵۳-۷) و در فواصل بین این زندان‌ها با هموطنان کرمان مأنوس بوده‌ام و از ستم مضاعف آنها بی اطلاع نیستم. آنچه در این خلاصه آمد، برخاسته از دل است و امید دارم که بر دل نشیند. نمونه‌های عبدالکریم قاسم، حزب دموکرات کردستان و آنچه به دنبال قرارداد ۱۳۵۴ بر سر کردها آمد و... نمونه‌هایی است حاصل کار جمعی ستم دیدگانی که در شرایط دهشتناک رژیم شاه به سر می‌بردند و به سعادت مردم ایران بویژه کردها می‌انداشیدند. شاید نیاز باشد که بیشتر بر سراسر اولویت‌ها و مبانی تئوریک هر عملی اندیشه ورزی شود تا مبادا یک حزب مدعی کارگران در کنار تروریسم دولتی اسرائیل و محافظه کاران جدید، این سرمایه داران و حشی، ائتلافی تشکیل دهند. کمابین که رهبران این حزب باید متوجه وضعیت اجتماعی و فرهنگی کردهای ایران باشند. به دلیل پیوستگی تاریخی ایرانیان، پیوندهای اجتماعی و فرهنگی عمیق و گسترده‌ای میان همه ایرانیان و بویژه مردم کرد بسا دیگر نقاط ایران وجود دارد. کشاندن پای حزب پ.ک.ک. به مسائل ایران، ضمن آن که یک خطای استراتژیک است، زمینه رو در رو قرار گرفتن مردم ایران بویژه گروه زیادی از مردم کرد ایران را با حزب یادشده فراهم می‌آورد. اگر در کشورهای مجاور علیه کردها نسل کشی یا جنگ نژادی صورت گرفته، اما ایران همواره همراه این مردم بوده و حتی در اوج درگیری‌های منطقه‌ای، مردم ایران پذیرای آوارگان کرد بوده‌اند.

* سر مقاله نشریه چشم‌انداز ایران، شماره ۴۷.

پی‌نوشت:

۱- لوموند (ششم نوامبر ۲۰۰۷).

صرف و بدون دوراندیشی سیاسی، نتایج وخیمی به بار آورد و کردهای عراق و ایران ضرر زیادی دیدند.

نمونه چهارم: به دنبال انقلاب ۱۳۵۷ ایران و واژگونی نظام سلطنتی و انحلال ساواک، (این ارگان سرکوب) و فروپاشی نسبی ارتش، به جای این که کردهای ایران در کنار انقلاب قرار گیرند و با حزب بعث عراق که نه تنها از کردها نسل کشی کرده بود، بلکه مردم عراق بویژه شیعیان را مورد آزار قرار می‌داد، مبارزه کنند. این پارتنر به جای انتخاب یک معادله در بستر یک نامعادله صرفاً نظامی قرار گرفتند که عوارض آن بر کسی پوشیده نیست و در ویژه نامه اول و دوم کردستان به این مقطع اشاره شده است.

نمونه پنجم: همان طور که می‌دانیم، پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، یک زلزله سیاسی در راستای احیای دموکراسی و تضعیف ژنرال‌های کودتاجی تلقی شد. این حزب با امریکا، در جریان اشغال عراق همکاری نکرد. به طوری که ولفوویتز در جلسه‌ای به ژنرال‌های ترکیه گفته شما بایستی به مجلس فشار می‌آوردید و حتی آقای اردوغان به عنوان نخست وزیر از اسرائیل با عنوان تروریسم دولتی یاد کرد. ولی حزب کارگران کردستان حمله‌های خود را متوجه حزب عدالت و توسعه کرد. شاید مضمون صحبت‌های جلال طالبانی، رئیس جمهور عراق خطاب به حزب کارگران کردستان را بتوان بهترین و منطقی ترین بیان دانست. وی خطاب به آنها گفت: «حزب عدالت و توسعه در ترکیه راه را برای گفتمان دموکراتیک بساز کرده، دیگر کردها را «ترک کوهی» خطاب نمی‌کند و هویت کرد بودن را قبول کرده و اصلاحاتی را در این راستا انجام داده به طوری که تعداد قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان حزب کارگران کردستان در مناطق کردنشین به پارلمان ترکیه راه یافته‌اند. این حزب موفق شده در راه توسعه مناطق کردنشین گام‌های بسیاری بردارد. بنابراین توصیه من به شما این است که اسلحه را زمین گذاشته و به یک حزب سیاسی تبدیل شوید. اگر می‌خواهید به مبارزه مسلحانه ادامه دهید بهتر است خاک کردستان را ترک کرده و به کوه‌های ترکیه که بلندترین هست برود.»

عثمان اوچالان نیز امروز دیگر سیاست‌های رهبری جدید چپ‌گرای مراد قاریلان و جمیل بایک را قبول ندارد. او

پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، یک زلزله سیاسی در راستای احیای دموکراسی و تضعیف ژنرال‌های کودتاجی تلقی شد. این حزب با امریکا، در جریان اشغال عراق همکاری نکرد. به طوری که ولفوویتز در جلسه‌ای به ژنرال‌های ترکیه گفته شما بایستی به مجلس فشار می‌آوردید و حتی آقای اردوغان به عنوان نخست وزیر از اسرائیل با عنوان تروریسم دولتی یاد کرد

